



شدن این ۳ نفر در محور حادثه خیز بجنورد-گلستان تعداد قربانیان این محور در سال جاری به ۳۴ نفر رسید. تاکنون ۵۵ کیلومتر از محور ۱۴۰ کیلومتری بجنورد-گلستان چهار بانده شده است. هم اکنون حدود ۱۱ ماه است که نقدینگی و یا اوراق خزانه اسلامی پیمانکاران این جاده داده نشده است و به همین دلیل ادامه پروژه در قسمت های مختلف این محور تعطیل شده است یا به کندی پیش می رود.

محور جاده ای استان افزوده شود. هلال احمر خراسان شمالی تعداد حادثه دیدگان و نجات یافتگان این حادثه را ۲۱ نفر اعلام کرد و در حالی که اورژانس خراسان شمالی و هلال احمر تعداد مجروحان این حادثه را ۸ نفر ذکر کردند اما پلیس راه چمن بید تعداد مجروحان را ۴ نفر گزارش کرد. تا ظهر روز گذشته نیز تنها ۴ نفر از حادثه دیدگان این سانحه در بیمارستان تحت مداوا قرار داشتند. با قربانی

در پی برخورد اتوبوس با قسمت عقب یک دستگاه کامیون در محدوده چهار بانده محور بجنورد- گلستان ۳ نفر از جمله راننده اتوبوس قربانی و در مجموع ۲۴ نفر دچار حادثه شدند که بر اساس آمار پلیس راه ۴ نفر از این تعداد در بیمارستان بستری شدند و خواب آلودگی راننده علت این حادثه بود. به گزارش خبرنگار ما بامداد پنج شنبه ای که گذشت محور بجنورد- گلستان دوباره حادثه ساز شد تا بر تعداد قربانیان حادثه خیز ترین

۳ کشته و ۲۱ حادثه دیده در پی برخورد اتوبوس با کامیون

خواب مرگ آور راننده اتوبوس

در راهروی دادگاه خانواده

افشای راز پس از ازدواج

صدیقی- تازه متوجه شده ام چه کلاه بزرگی سرم رفته است و نامزدم اعتیاد به مواد صنعتی دارد. یک ماه بیشتر نیست که اخلاق بد نامزدم تند و خشن شده و بدتر از این ها دست بزن هم پیدا کرده است. دیگر مثل سابق اعتراضم را با گفت و گو پاسخ نمی دهد بلکه با مشت و لگد پاسخ اعتراض های به حقم را می دهد. دختر مضطرب و نگران آینده زندگی خویش در راهروی مشاوره دادگاه خانواده از استرس زیاد نمی تواند گوشه ای آرام بگیرد. مدام قدم می زند و دوباره می نشیند و لب به سخن می گشاید و می گوید که تازه متوجه شده که تمام حرف های نامزدش سرابی بیش نبوده است او در مورد اعتیادش سر او و خانواده اش را کلاه گذاشته و آنها را با نیرنگ هایش فریب داده است. وی می گوید: ۲ سال است که نامزد هستیم و هر دو تحصیلات دانشگاهی داریم. الان یک ماهی می شود که نامزدم بی خبر از همه گذاشته و به مکان نامعلومی رفته است. بعد از گذشت مدتی از عقده مان اخلاق نامزدم تغییر کرد و رفته رفته رفتار و نوع صحبتش خیلی زنده شد. اصلاً نمی دانستم که چطور باید با این مشکل برخورد کنم و بعضی مواقع سر این

خیانت در امانت، کار دست یک خانواده داد

تاوان اعتماد ۴۰۰ میلیونی

۴ سال است که برای پاس کردن چک های دخترم به دردرس های مختلفی گرفتار شده ام. او چکی به مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان به امانت گذاشت و با فرار فرد کلاهبردار حالا باید دخترم تمام این مبلغ را به دیگران پس بدهد. این ها صحبت های مرد مسنی است که برای جلوگیری از زندانی شدن دخترش ۴ سال است که به این درو آن در و با شرخ راه سرو کله می زند. به گفته این مرد دخترش ۳ سال پیش برای یک صندوق خانگی چکی به صورت امانت به مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان داد اما فرد خائن با برداشتن همه پول ها فرار کرد و حالا خانواده اش با مصایب و مشکلات فراوانی باید به جای فرد کلاهبردار پول های بر باد رفته اعضای صندوق را پرداخت کنند.

اشتباه پشت اشتباه

حرکت در جاده شیشه ای

خیلی به هم ریختم و برای همین دوباره سراغ مواد رقیم تا به خیال باطل خودم شاید بتوانم غم دوری مادرم را تحمل کنم.

ماجرای شکستگی وورم کردن پایت چیست؟ روزی با موتور سیکلت از نانوائی بر می گشتم که ناگهان با یک خودرو تصادف کردم و پایم شکست. به خاطر شکستگی شدید پایم در آن پلاتین گذاشتند اما بعد از مدتی هر بار به دلایلی پلاتین در پایم می شکست و دوباره مجبور می شدم آن را عمل کنم. چندین بار تحت عمل قرار گرفتم تا این که آخرین بار دیگر نتوانستم به خاطر فقر و بی پولی پایم را عمل کنم و الان هم کج و دچار عفونت شده است. البته قبل از این یک بار زمانی که پلاتین در پایم شکست به خاطر اینکه پولی برای عمل نداشتم کنار خیابان دراز کشیدم و وانمود کردم که با ماشین تصادف کرده ام و راننده ماشین هم از صحنه فرار کرده است. با این ترافیک بار توانستم رایگان پایم را عمل کنم.

خانواده ات بعد از این اتفاقات چکار کردند؟

همسرم با یک فرزندم در روستا زندگی می کنند. من هفته ای یک بار از دستمزدی که از نانوائی می گرفتم برایشان پول می فرستادم و الان هم خبری از آنها ندارم.

تا کی باید در این مرکز بمانی؟

تا زمانی که تعهد بدهم و یک نفر ضمانت من را بکند تا آزاد شوم. البته صاحب کارم قول داده است که دنبال کارم باشد تا دوباره بتوانم به نانوائی بر گردم و در آنجا مشغول شوم. دیگر تصمیم گرفته ام که اعتیادم را برای همیشه ترک و مثل یک شهروند عادی و بی ضرر در کنار مردم زندگی کنم.

بازرسی به من مشکوک شدند و مواد را از داخل شکمم خارج کردند. هر دو بار نیز به این روش دستگیر شدم. یک بار هم به خاطر سرقت دستگاه جوش و کابل ماشین دستگیر شدم و به زندان افتادم.

کمی از زندگی ات بر ایمان بگو.

پدر و مادرم هر دو معتاد بودند و در حاشیه شهر زندگی می کردم. پدرم به خاطر اعتیاد شدیدی که داشت و اصلاً کسی برایش مهم نبود روزی ما را به حال خودمان رها و خودش را ناپدید کرد و هنوز هم که هنوز است خبری از او نداریم. مادرم مجبور شد تنهایی ما را بزرگ کند. مادرم به خاطر اعتیادش دست به قاچاق مواد می زد و از این طریق زندگی مان را می گذرانیدم. این ماجرا ادامه داشت تا این که مادرم به خاطر حمل مواد به زندان افتاد. به خاطر زندانی شدن مادرم، آن زمان که سن و سال زیادی نداشتم در یک نانوائی به عنوان شاگرد کار می کردم از نانوائی فرار کردم و دنبال کار خلاف افتادم. زمانی که بزرگتر شدم چندین بار به خاطر کارهای خلاف به زندان افتادم. زمانی که آخرین بار از زندان آزاد شدم اعتیادم را ترک کردم و دوباره در نانوائی مشغول به کار شدم اما بعد از مدتی صاحب کارم نانوائی را فروخت و بعد از آن به مدت دو سال در یک دامداری مشغول به کار شدم. در این زمان بود که ازدواج کردم و از دامداری بیرون آمدم. دوباره در یک نانوائی دیگر این بار به عنوان شاطر مشغول به کار شدم تا این که به خاطر اعتیاد دستگیر شدم.

چطور شد دوباره سراغ اعتیاد رفتی؟

زمانی که مادرم از زندان آزاد شد مدتی در کنار هم در آرامش زندگی می کردیم تا این که روزی در یک تصادف فوت کرد. بعد از فوت مادرم از نظر روحی

به چه جرمی و این چندمین بار است که دستگیری می شوی؟

به خاطر مصرف شیشه و چهارمین مرتبه است که دستگیری می شوم.

متاهل هستی؟ شغل ت چه بود؟

همسر و یک فرزند دارم. ۱۴ سال به عنوان شاطر در یک نانوائی کار می کردم.

تا حالا به غیر از این مرکز به زندان هم افتاده ای؟ چقدر حبس کشیده ای؟

۳ مرتبه به خاطر سرقت، قاچاق و حمل مواد به زندان افتادم. روی هم رفته ۶ سال حبس کشیدم.

این بار چطور دستگیر شدی؟

این دفعه زمانی که از نانوائی بیرون آمدم و در پارک مقابل محل کارم مشغول مصرف شیشه بودم من را گرفتند و به این مرکز آوردند.

چطور شد به شیشه اعتیاد پیدا کردی؟

خانواده ام همه معتاد بودند. مادرم از زمانی که بچه بودم کریستال و شیشه مصرف می کرد. زمانی که مادرم حین مصرف شیشه چرت می زد پنهانی مقداری از موادش را سرقت می کردم و بیرون از خانه زیر یک پل آن را مصرف می کردم. تا این که با ادامه این کار من هم مثل مادرم به شیشه اعتیاد پیدا کردم.

چگونه چندین بار به زندان افتادی؟

زمانی که اعتیادم شدید شد کارتن خواب شدم. به ناچار ضایعات جمع می کردم و همچنین دست به قاچاق و حمل مواد هم می زدم و بعضی مواقع هم سرقت می کردم. البته من فقط حمل کننده مواد بودم و دستمزد می گرفتم. روزی که مقداری مواد را بلعیده بودم تا به صاحب مواد تحویل بدهم در یک ایست و



صدیقی- خسته است، خسته است، نگاه های تحقیر آمیز اطرافیان. دندانی در دهانش نمانده و چهره اش زرد است و پایش می لنگد و کمرش خمیده شده است. نایی برای حرف زدن ندارد و این همه اتفاقات تلخ را ناشی از اعتیاد و رفتن به بیراهه و البته پدر و مادر بی مهرش می داند. دوران پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته، از قاچاق مواد، کارتن خوابی و سرقت گرفته تا شاطری کردن در نانوائی. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با معنادی که از بیراهه رفتن های مکررش عبرت نگرفته و هر بار بعد از آزادی دوباره سراغ اقیون خانمان سوز رفته است می خوانید.

چند وقت است در مرکز نگهداری به سر می بری؟

حدود ۱۰ روز است که من را به این مکان آورده اند.

بیمه عمر و سرمایه گذاری نوین

برای کسب اطلاعات بیشتر با کارشناسان **بیمه نوین** در استان خراسان شمالی تماس بگیرید.

شعبه مرکزی بجنورد: ۰۵۸-۳۲۲۴۱۶۱۲، ضمیری نژاد ۰۳۲۲۴۷۶۲۶-۵۸ چهارراه شهرداری، جهان آرا ۰۹۱۵۸۸۷۰۶۰۰ فردوسی ۰۲۰، مرتضوی ۰۹۱۵۳۸۴۷۷۹۶ میدان خرمشهر،

یزدانی ۰۹۱۵۳۸۴۰۷۶۹ شاهد ۲۳، رمضانین ۰۹۱۵۱۸۴۲۱۶۲ پارک شهربازی، ربانی ۰۹۳۰۵۱۲۴۹۵۶ پل منطقه، پرمو ۰۹۱۵۰۸۹۷۳۰۶ هفده شهریور جنوبی

امگری ۰۹۳۵۳۸۴۰۹۸۴ بولوار فرودگاه، جاجوندیان ۰۹۱۵۱۸۷۸۷۱۶ هفده شهریور جنوبی